

قتل در پشت پرده‌های آرامش

«مجید ابهری»، آسیب‌شناس و «سهیل رضایی»، روان‌شناس در گفت‌وگو با «اعتماد» از جنایت فجیع یکسال پیش می‌گویند

یکسال پیش در چنین روزی؛ شخصیتهای مربوط به این پرونده نامشان تا مدت‌ها بر سر زبان‌ها بود. وقتی خبر این جنایت در رسانه‌ها منتشر شد، شوک بزرگی به جامعه وارد کرد تا جایی که برخی مردم برای اینکه از وحشت این خبر هولناک کاسته شود، آن را در فضای مجازی تبدیل به طنزی تلخ کردند تا شاید ذهن‌شان آرام گیرد. شخصیتهای این پرونده جنایی به شرح زیر است:

قاتل: علی‌اکبر خرم‌دین

معاون قتل: ایران موسوی‌ثانی

مقتولان: فرامرز، آرزو و بابک

امروز سالگرد قتل «بابک خرم‌دین»؛ یکی از کارگردانان سینماست. یکسال پیش در روز ۲۵ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰ بابک خرم‌دین در ۴۷ سالگی به دست والدینش در شهرک اکباتان به قتل رسید. پس از قتل، جسد بابک توسط پدرش مثله شد و سپس علی‌اکبر با همدستی همسرش تکه‌های جسد فرزندشان را درون چمدان قرار دادند و از خانه خارج کردند. آنها پس از این اقدام وحشتناک، بخش‌های جسد مثله شده بابک را به سه سطل زباله در شهرک اکباتان انداختند.

یک روز بعد از حادثه در ۲۶ اردیبهشت ماه، قسمت‌هایی از جسد مثله شده او توسط یکی از کارگران شهرداری پیدا شد. در بررسی‌های اولیه که با اقدام انگشت‌نگاری توسط کارشناسان پزشکی قانونی صورت گرفت، مشخص شد این جسد مثله‌شده، بابک خرم‌دین است. با مراجعه ماموران به خانه مقتول، پدر و مادر بابک دستگیر شدند.

آنها پس از دستگیری به قتل فرزندشان اعتراف کردند، اما این پایان ماجرا نبود و آنها در ۲۹ اردیبهشت ماه یعنی چند روز پس از دستگیری، به قتل دامادشان «فرامرز» و دخترشان «آرزو» که در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۷ رخ داده بود، اعتراف کردند. این دو در اعترافات خود عنوان کرده بودند؛ فرامرز و آرزو را نیز به شیوه‌ای که بابک را به قتل رسانده بودند، کشتند و اجساد آنها را مثله و به سطل زباله انداختند.

این پرونده جنایی وحشتناک در ۳۰ آبان ماه همان سال با فوت علی‌اکبر خرم‌دین به دلیل ایست قلبی در زندان رجایی‌شهر مختومه شد و اما همسر او؛ ایران موسوی‌ثانی به اتهام معاونت در سه فقره قتل در

حال حاضر در زندان رجایی‌شهر کرج به سر می‌برد. یکسال پیش وقتی مادر و پدر بابک خرم‌دین به این سه فقره قتل اعتراف کردند به شهرک اکباتان رفتم. فضا پوشیده از ترس و نگرانی بود. مقابل ورودی فاز یک این شهرک حله‌ای به یاد بابک خرم‌دین گذاشته شده بود که سنگینی خبر این جنایت را دوچندان می‌کرد. اهالی شهرک در حین ناباوری بهت‌زده بودند. باور نمی‌کردند که علی‌اکبر خرم‌دین همان پیرمرد ۸۰ ساله نجیب و آرام که بازنشسته ارتش بود و گاهی از شب‌ها با یک ماشین مسافرکشی می‌کرد؛ داماد، دختر و پسرش را با همدستی همسرش همان زنی که همسایه‌ها می‌گفتند در [جلسات قرآن](#) شرکت می‌کرد به قتل رسانده باشد.

ساکنان مجتمعی که خانواده خرم‌دین در طبقه ششم آن ساکن بودند از تعجب سکوت را در برابر پاسخ به این اتفاق انتخاب کرده بودند. آن چند نفری هم که حاضر به صحبت شده بودند همه یک حرف مشترک می‌زدند و آن این بود؛ از این خانواده که بیش از چهل سال در این مجتمع ساکن بودند جز خوبی ندیدند. شنیده‌هایم از اهالی مجتمع در خصوص این خانواده با واکنش‌ها و اعترافات علی‌اکبر خرم‌دین در دادسرای امور جنایی در مقابل دوربین‌های خبری در تضاد بود و توضیح جزئیات بیشتر غیر از در‌دسر چیزی ندارد...

پس از فوت موکلم ورثه حاضر به همکاری نشدند

«حسن امیدوار»؛ وکیل تسخیری علی‌اکبر خرم‌دین پس از یکسال از این پرونده جنایی که با فوت علی‌اکبر خرم‌دین مختومه شد به «اعتماد» می‌گوید: «با توجه به اینکه من وکیل علی‌اکبر خرم‌دین بودم و طبق قانون، وکالت با فوت متهم باطل می‌شود، دیگر اطلاعی از پرونده ندارم. پس از فوت او، ورثه که دختر و پسر دیگر علی‌اکبر خرم‌دین بودند نیز حاضر به همکاری نشدند. همسر موکلم هم تا جایی که اطلاع دارم اصلاً وکیل ندارد و به اتهام معاونت در سه فقره قتل در زندان رجایی‌شهر به سر می‌برد. پرونده در حال بررسی و رسیدگی بود و حکمی صادر نشده بود. طبق نظریه پزشکی قانونی موکلم در لحظه ارتکاب جرم جنون نداشته. با اعتراض در خصوص این نظریه، مجدد پرونده در کمیسیون سه نفره پزشکی قانونی قرار گرفت. پرونده در حال رسیدگی بود که موکلم به دلیل ایست قلبی در زندان رجایی‌شهر فوت کرد و پرونده پزشکی قانونی او نیز مختومه شد. اگر این مورد اثبات می‌شد که متهم در زمان ارتکاب جرم قوه تمییز نداشته طبق ماده 149 قانون مجازات اسلامی از مسوولیت کیفری معاف می‌شد. در مورد همدستی همسر علی‌اکبر خرم‌دین در این سه فقره قتل می‌توان گفت اگر در این سال‌ها

اقداماتی انجام می‌داد جنایات بیشتر رخ نمی‌داد، ولی او سکوت کرد.» امیدوار در ادامه می‌گوید: «او در کارها بسیار دقیق و منظم بود و با بی‌نظمی برخورد می‌کرد. زندانی‌ها و مسوولان زندان هم او را فردی مهربان و خوشرو می‌دانستند. طی صحبت‌هایی که با هم داشتیم او دلیل اقداماتش را رعایت نکردن چارچوب‌هایی از سوی فرزندان‌ش عنوان می‌کرد و در خصوص بابک نیز متذکر می‌شد که بدرفتارهایی داشته، اما اینها هیچ کدام دلیل قتل نمی‌تواند باشد.»

با گذشت یکسال هنوز در مورد این خانواده صحبت است

«محید ابهری»؛ آسیب‌شناس در خصوص این پرونده جنایی می‌گوید: «جنایت و خشونت علاوه بر عوارض روحی و رفتاری بر عوامل مجری آنها بر افکار و احساسات جامعه نیز آثار منفی می‌گذارد. مخصوصاً اگر این‌گونه جنایات در خانواده و بین وابستگان خونی صورت بگیرد. در مورد بابک خرم‌دین از آنجایی که هم در جریان دستگیری پدر و مادر ایشان بودم و هم به مجلسی که دانشجویان او در محل سکونتش در شهرک اکباتان تشکیل داده بودند، رفتم و از نزدیک با دانشجویان و دوستان ایشان صحبت کردم؛ باید عرض کنم که پدر و مادر ایشان ممکن است از نظر پزشکی و مغزی دیوانه نباشند و سالم باشند همان‌طور که پزشکی قانونی تشخیص داد، اما از نظر روحی و روانی افراد سالمی نبوده‌اند، چراکه یک پدر و مادر در هیچ شکل و هیچ شرایطی نمی‌تواند کسی را بکشد مخصوصاً اگر آن فرد فرزندش باشد. دانشجویان بابک خرم‌دین از ایشان به نیکی یاد می‌کردند و دختر و پسر از چشم پاکي و اخلاق حسنه او تعریف می‌کردند، اما چرا چنین جنایتی اتفاق می‌افتد؟ پدر و مادر خرم‌دین قبلاً دختر و داماد خودشان را نیز به قتل رسانده و به همین شکل مثله کرده بودند. داماد خانواده خرم‌دین، خواهرزاده او نیز بود. سکوت همسر علی‌اکبر خرم‌دین در مدت 7 سال بعد از قتل دختر و دامادش جای تعجب دارد. شاید تهدید شده و ترسیده، اما در مورد بابک خرم‌دین؛ او یک هنرمند و مدرس دانشگاه در رشته هنری خود نیز بود. او به دست پدرش با طرز فجیعی قطعه‌قطعه شد و حتی پدر ایشان در دادرسی جنایی با دستبند انگشتان خود را به صورت V یعنی پیروزی بالا گرفته بود، گویی یکی از دشمنان تنومند و قوی را به قتل رسانده است. این‌گونه جنایات باعث ایجاد تنش‌های روحی در جامعه است و نباید با خلاصه‌نگاری آن سبب بخش شدن و نشر آن شد. باید بدانیم که در فضای مجازی نمی‌توان اعمال نظر کرد. علت این جنایت عدم ثبات روحی و روانی پدر او بود که در مورد دختر و پسرش نیز این کار را انجام داده بود. به دلیل مشکلات اخلاقی کسی نمی‌تواند

جای خدا قرار بگیرد و مجازات کند. داماد، دختر و پسر علیاکبر خرم‌دین توسط همسایگان و دوستان مورد تعریف بودند که آقای خرم‌دین پدر به ایشان تهمت‌های ناروا وارد کرده بود که خداوند در روز جزا به حساب همه رسیدگی خواهد کرد. در يك تحليل رفتاري علت این‌گونه جنایات؛ انباشت کینه، خشم و تخلیه آنها و همچنین دوران طفولیت و گذار از آن و چگونگی گذر از آن دوران بوده. متأسفانه اجل مهلت نداد تا از علیاکبر خرم‌دین دوران کودکی، نوجوانی و جوانی او را جویا شده و متوجه شویم چه عواملی باعث این همه سنگدلی و قساوت در يك فرد می‌شود. بسیاری از ما حتی ناتوان از تماشای کشتار حیوانات هستیم تا چه برسد به انسان یا چه برسد به فرزند خود ما باشد. وقتی که جسد قطعه‌قطعه شده بابک پیدا شد از آن فیلمبرداری و در فضای مجازی پخش شد. تکرار این‌گونه فجایع خود خلق‌کننده خشونت و جنایت و ساده‌انگاری آنها و زشت‌زدایی از این‌گونه خشونت‌هاست. بنابراین باید متوجه باشیم که تکثیر این‌گونه اخبار در فضای مجازی تنها حسن و امتیازی که دارد، بالا بردن سطح خشونت و سنگدلی در جامعه است. مادر بابک به دلیل تهدیدهای همسرش حاضر نشده بود که به پلیس اطلاع دهد، اما طی يك ساعت و زمانی که همسرش در خانه نبوده می‌توانسته موضوع را به اطلاع پلیس و مقامات قضایی برساند. به نظر می‌رسد که مادر بابک نیز از تعادل روحی و روانی برخوردار نبوده. هر قدر هم که يك نفر تهدید شود باز احساسات مادری بسیار قدرتمندتر از خطر افتادن جان است. وقتی دختر و داماد او به همین شیوه به قتل رسیدند به همه گفته شده بود که آنها به سفر ترکیه رفتند و باعث قانع کردن اطرافیان‌شان شده بود.»

این آسیب‌شناس در ادامه می‌گوید: «بالا رفتن سطح خشونت در جامعه و کاهش نشاط باعث می‌شود که بسیاری از جنایات و قتل‌ها رخ دهد. تکرار وقایع تلخ و هولناک خود نیز یکی از عوامل بالا بردن درجه **خشونت** در جامعه است. رسانه‌ها باید دقت کنند که بیان عریان اخبار فجیع، آفریننده صحنه‌های اینچنینی می‌تواند باشد. در کنار گزارش خبری مسائل باید به کالبدشکافی آنها نیز پرداخته شود. خبر این جنایت باعث شد در میان اهالی شهرک اکباتان انعکاس آزاردهنده‌ای رخ دهد که هنوز هم با گذشت يكسال در مورد این خانواده صحبت می‌شود. چرا باید خشونت اجتماعی تا این درجه رشد کند که افراد مانند خبر يك مسابقه از کنار این‌گونه قتل‌ها بگذرند.»

اتفاقات تلخ در جامعه ما فقط در حد خبر باقی می‌مانند

«سهیل رضایی»، روان‌شناس در خصوص پرونده خرم‌دین به «اعتماد»

می‌گوید: «بنده الان به عنوان يك کارشناس نمی‌دانم مشکل چه بود فقط می‌دانم پدری فرزندش را کشت. بعد هم در رسانه‌ها عنوان می‌شود که پدر از پسرش ناراحت بود. بنابراین وقتی يك کارشناس بخواهد مبتنی بر اخبار نظر دهد خطرناک‌ترین کار ممکن را کرده است. این اتفاق در هر جای دنیا رخ می‌داد از چندین روانشناس استفاده می‌کردند تا گزارش‌های لازم در خصوص پرونده را ارائه دهند. ببینید، ما اخبار داریم نه اطلاعات و ما بر اساس اخبار نمی‌توانیم نظری در جهت تحلیل شخصیت‌ها ارائه دهیم. با بررسی در این پرونده می‌توانستیم متوجه شویم که این جنایت و خطر از چه مشکلاتی نشأت گرفته و سپس بر اساس بررسی‌های لازم نظریه‌ای منتشر می‌شد. از طرف دیگر جامعه فقط می‌خواهد موضوع را با اعدام متهم تمام کند، در نتیجه مشکلات ریشه‌یابی و حل نخواهد شد. برخوردهای حذفی با پدیده‌های اجتماعی آنها را از بین نمی‌برد. اگر فردی اختلال روانی داشته باشد فقط با درمان بهبود پیدا می‌کند با گذارهای اخلاقی و دادن درس اخلاق نمی‌توانیم در بهبود رفتارهای او تلاش کنیم. متأسفانه جامعه ما در التهابات مختلف و گوناگونی به سر می‌برد و پدیده‌ها در حد خبر باقی می‌مانند نه موضوع. بنابراین مشکل جامعه ما شکاف میان خبر و موضوع است. شما ببینید حتی يك خبر که زیاد کار می‌شود تذکر می‌دهند که خبر کار نشود و اینقدر این اخبار نادیده گرفته می‌شود تا خودش به علت فراگیری‌اش به موضوع اجتماعی تبدیل شود. تا منطقه تولید اخبار مربوط به پدیده‌های اجتماعی توقیف نشود پدیده‌ها و معضلات جامعه نیز برطرف نخواهند شد و تا وقتی هم چنین پدیده‌های تلخی در جامعه رخ می‌دهد و از کارشناسان خواسته نمی‌شود که درباره موضوع پیش آمده نظرات مختلف یا واحدی بدهند، نه تنها آن پدیده و معضل رفع نمی‌شود، بلکه امکان فراگیر شدن آن بیشتر خواهد شد تا جایی که آن پدیده می‌تواند به يك بحران اجتماعی تبدیل می‌شود، اما وقتی علت رخ دادن يك پدیده از نظر کارشناسان مربوطه بررسی شود و اطلاعات درستی در دسترس افراد جامعه قرار گیرد، آمار رخ دادن آن پدیده نیز کمتر خواهد شد.»

او در ادامه درباره علت رخ دادن چنین حوادثی شرح می‌دهد: «عوامل مختلفی می‌تواند باعث رخ دادن چنین اتفاقاتی باشد. یکی از دلایل می‌تواند جنون آنی باشد. دلیل دیگر می‌تواند مشکلاتی باشد که از قبل وجود داشته و این اختلافات طی مرور زمان پیش رفته و از طاقت افراد خارج می‌شود. علت دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، اختلالاتی که در فرد از کودکی وجود داشته و آرام‌آرام در يك نقطه‌ای خودش را بروز می‌دهد. اختلال‌های روحی و روانی در افراد اگر درمان نشود، می‌تواند منجر به فاجعه‌های بزرگی شود که در حال حاضر نیز شاهد آنها هستیم.

بستر اجتماعي با توجه به جنس اتفاقات، برخي التهابها در آن فراگیرتر میشود. وقتي ناامني اقتصادي و اجتماعي وجود داشته باشد انسان تحريك پذیرتر میشود. به عنوان يك مثال ساده تجمع در مترو خود مي تواند عامل تحريك پذيري در انسان شود تا جايي که براي بروز خشم بستر راحت تري فراهم میشود. همین حریم يك متر و نیم مي تواند تاثير روجي و رواني در افراد داشته باشد. جالب است بدانيد يکي از ساده ترين دلایل احساس خوشبختي در جهان وقتي مورد بررسی قرار گرفت به مورد عجيبی رسیدند و آن تهويه مطبوع است. يعني خود دما يکي از عوامل آرام بخش است. بدین معنا که وقتي فرد احساس سرما یا گرما مي کند اگر شرايطي براي رسیدن به دماي مناسبی که مي خواهد وجود نداشته باشد، مي تواند به لحاظ روجي تحت فشار قرار بگيرد. بنابراین اگر يك فرد به لحاظ رواني 10 درصد هم امکان این لغزندگی را داشته باشد که با کوچک ترین مساله اي تحت فشار قرار بگيرد احتمال مي رود به دليل شرايط محيطي نیز این 10 درصد به 90 درصد افزايش پيدا کند.»

بهاره شبانکارئيان / اعتماد ، 184767